

کتابخانه تصنیف سرکار عالی حیر آباد و کون

۲۶۰۹

نمبر دہندہ

آخر آبان ۱۳۲۱

تاریخ دہندہ

حقیقۃ الاسلام

نام کتاب

مواظف

فہم کتاب

۳۰۸

نمبر کتاب فہم مذکور

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا
وَمِنْ ثَمَرَاتِهِ عَلَى اللَّهِ فُوْهُوَ سَرِيعٌ

حسب الحكم مهندیل مطبع



کثیر المنافع اسمی بساط المطبع

مصطفیٰ الطبع
محمد خان بنی نو

شکلی آینی بود نوح علیه السلام بنده بسیار شکر کنند و هر که در مقدم و نحو از شکر او تقصیری در سخت
 ظالم و نهایت کافرت باشد که در شکر نعمتهای غیر متناهی چنین منعم از دینی شکر یعنی از مقدم و تقصیر کرده
 قال سبحانی و ان تعدوا نعمة الله لا تحصوها ان الله انزلنا الانسان کظلم کفالا یعنی اگر
 بشمرید نعمتهای خدا را نتوانید احاطه کردید ستیکه انسان یعنی اکثرشان برآینه سخت ظالم و بسیار کافرانند
 نعمتهای او را پس قدری از شکر که از بندگان مطلوبست نیست که او سبحانه را بصفت کمال او مطایب
 نفس الامر بقدر طاقت بشکر نشناسد و از اعتقادات و اخلاق و اعمال آنچه مرضیات اوست بوجه
 لایحه آنچه که بزرگتر عباد از آن واجب ساخته است آنرا بصفت کمال ادا سازند و از مکرویات و
 منہیات جناح او برهنه کنند و رضای او تعالی بر رضامندی نفس خود و رضای هر مخلوق مقدم دارند
 و هر چه در علمت نفس مکافات و آخرت شرمساز گردند یعنی نفس هر کس در روز قیامت خواهد داشت
 که چه چیز را مقدم داشته و چه چیز را مؤخر کرده رضای نفس بر رضای خدا یا رضای نفس بر رضای خدا
 قل ان کان اباؤکم و ابناؤکم و اخوانکم و ازواجکم و عشیرتکم و أموالکم
 اقربکم منکم و تجارتکم و عیالکم کسادها و مساکین ترضونها احب الیکم من الله
 و رسوله و جهاد فی سبيله فلو یضربوا حتی یاتی الله بامرهم یعنی بگوی محمد اگر باند
 پدران شما و پدران شما و برادران شما و زنان شما و قبائل شما و ما لهائی که کسب کرده اید و سوار گری
 میت رسید از فوت شدن منفعت آن و غائبانی که پسند شماست دوست تر نزد شما از خدا و رسول او و جهاد
 کردن و کوشش نمودن در مرضیات او پس منتظر باشید وقت آمدن امر و قضای او و عذاب و در دنیا یا
 در آخرت مسلمان را باید که هر کرا دوست دارد بر خدا و دوست دارد و هر کرا دشمن دارد بر ای خدا دشمن
 دارد و هر که چیزی بدید بر خدا بدید و هر کرا اندید بر ای خدا ندید و نفعی اگر در دین خود یا در دین
 یا فرزند خود نهد باید نیست نه که حق تعالی بر من واجب کرده است رسول فرمود صلی الله علیه و سلم
 احب الله و ابغض الله و اعطى الله و منعه الله و غلبت کمال ایمان بود و در از بی
 آمده و ترندی از معاذ این حدیث روایت کردند یعنی هر که دوست دارد بر ای خدا و دشمن دارد
 بر ای خدا و بدید بر خدا و ندید بر ای خدا منجیکه ایمان بخدا رکود رسول فرمود علیه السلام

اِذَا اتَّقَى الْمُسْلِمُ تَقَقُّةً عَلَى اَهْلِهِ وَهُوَ يَحْتَسِبُهَا كَانَتْ لَهُ صَدَقَةٌ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ
یعنی اگر خرج کرد و مسلم را بپناه خود بنیت عبادت باشد و او صدقه **فصل** چون شناختن ذات و
صفات و مزیات و کمرویات حق سبحانه تعالی بی توسط پیغمبران صورت نمیدهد و عقل در آن کافی
نیست ازین جهت ایمان بکتب الهی در سل و بهماجا به الرسل داخل ایمان نمی شود رسول مقدر
صلعم فرستادگان نمیدید عبد القیس **اَتَدَارُونَ مَا لَا يَصْنَعُ بِاللّٰهِ وَحَدَّثَهُ** یعنی میدانید که
ایمان بخدا چیست آنها گفتند خدا و رسول او دانایانند فرمود و **تَعْلَمُونَ اَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**
وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَّسُولُ اللَّهِ یعنی گواهی دادون بتوحید و رسالت محمد رساله اسلام علی السلام
متفق علیه عن ابن عباس اطاعت رسول اطاعت خدا گشته قال الله تعالی **مَنْ طَاعَ الرَّسُولَ**
فَقَدْ اطَاعَ اللَّهَ یعنی هر که فرمان برداری کند رسول را او فرمان برداری خدا کرد و محبت رسول
اسلام در رنگ محبت خدا بلکه عین محبت او تعالی شده رسول فرمود **صَلِّمْ عَلَى مَنْ لَا يَنْفَعُكَ مِنْ أَحَدٍ كَمْ حَتَّى**
أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْكَ مِنْ زَالِدِهِ وَوَلَدِهِ و التائیس آنچه عین متفق علیه عن انس یعنی ایمان
یکی از نما صیح نباشد تا دوست ترا بشم ترا و او از والد و فرزند او و از تمام آدمیان پس او ای حق رسول
اسلام هم از حقوق بشر خارج است اما مطلوب بقدر رفاقت است و آن امتثال او امره و او ای دوست و
صلوة و سلام بر تو محبت بر آن و اصحاب او **فصل** پس بدان که چون شناختن ذات و صفات و مزیات
و کمرویات بتوسط رسول معلوم رسیده خصوصاً بعضی خلفای راشدین وین وقت و رونق گرفته و اول
و انقال و علیه السلام که بعد از صحابه و بعد از آنکه بر ما معلوم نبود از سعی آنها شهرت گرفته مسائل خانه
جمع گردیده که از هر چند صحابه را جمع کرده تحقیق کرده ترجیح میدادند پس از ای حق صحابه و اهل بیت علیهم
حق رسولت و نبوت و امامت و نشان مثل محبت و امامت سراج معلوم گشته فرمود رسول **صَلِّمْ عَلَى مَنْ أَحَبَّهُ**
فَقَبِيحٌ أَحَبَّهُ وَ مَنْ كَرِهَهُ فَكَرِهَهُ و **فَبَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ أَزْوَاجِهِمْ فَتَقَالُ أَذَانِي وَمَنْ**
أَذَانِي فَقَدْ أَذَى اللَّهَ و از هر مردی هر که را دوست دارد و او را دوست دارد و او را دوست دارد و او را دوست دارد
بعد از آنکه از هر کس که او را دوست دارد و او را دوست دارد و او را دوست دارد و او را دوست دارد
و او را دوست دارد و او را دوست دارد و او را دوست دارد و او را دوست دارد و او را دوست دارد و او را دوست دارد

یعنی اگر خرج کرد و مسلم را بپناه خود بنیت عبادت باشد و او صدقه

متفق علیه عن ابن عباس اطاعت رسول اطاعت خدا گشته قال الله تعالی

آنهارا ایز کرده پس بد رستی مرا ایز کرده و هر که مرا ایز کرده پس بد رستیکه خدا را ایز کرده و فرمود
 پیروی کنید بهر دو خلق که بعد من باشند ابو بکر و عمر و فرموده **عَلَيْكُمْ تَسْبِيحٌ وَ سُبْحَةُ الْخَلْفَاءِ**
 الرّاشدین من بعدکم یعنی لازم گیر بدست من سنت خلفا را راشدین را که بعد من باشند
 فرموده **اَنَا مَدِيْنَةُ الْعِلْمِ وَ خَلِيْفَتِي بَابُهَا** رواه الطبرانی و الحاکم عن ابن عباس من شهر علم
 در واره آمنت و فرموده **اِنِّي تَارِكٌ فِيْكُمْ اَثْقَلَيْنِ كِتَابُ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي** رواه احمد
 الطبرانی عن یزید بن ثابت یعنی من میگذارم بعد خود ترو شما دو وسیله حکم یکی قرآن دوم عترت خود
 فرمود صلی الله علیه و سلم **خُذُوا مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ** هَذِهِ الْحَقَائِدُ كَمَا كُنْتُمْ تَقْرَأُونَ
 حاشیه یعنی اینها را از بین عمر رضی الله عنه یعنی راه باب من نماند ستا بگو نماند بهر که اینها
 پیروی کنید بهر دو رسیده پنجین احادیث بسیارند **فصل** پنجین ادای حق علمای محمد
 و فضیلهای مجتهدین و مصنفان کتب دین و سلسله سلسله علوم ظاهر پیران اساتذّه علوم دین
 درنگ حق صوابه و امانت و انحال ادای حق خدا در سوانی فی الله علیه و سلم است که این ادای
 پیغمبر و علمای دین اند قال رسول الله صلی الله علیه و سلم **رَأَيْتُ الْعُلَمَاءَ رَحِمَهُمُ اللَّهُ**
اَلْكَتِبُ يَأْتِيهِمْ نَوَاجِدٌ يَنْكَارُ مَا كَذَبُوا فِيهَا وَ لَا تَمُوتُ اَوْ تَقُتُّ الْعِلْمُ رواه صحاح
 بشرین قیس یعنی بد رستیکه علما و انبیا اند و بد رستیکه انبیا میراث گذارند بهر که در دین
 جزین نیست که میراث گذارند از علم و قال رسول الله صلی الله علیه و سلم **اَلْعِلْمُ يَنْتَقِلُ**
كَمَا يَنْتَقِلُ الْعِلْمُ مِنَ الْعَبْدِ إِلَى الْعَبْدِ رواه احمد
 شکر تلا اِنَّمَا يَشْكُرُ اللَّهُ عِبَادٌ مُّتَعَلِّمُونَ از من این آمار را می شناس
 محول و الحس بهر سزاغوا فرمود **تَخَفُّوا عَنْ عَمَلِكُمْ بِمَا يَدْرُسُ فِيْكُمْ مِنْ رَدِّ سُلْطَانِ**
 بستان خوانند یعنی نرسند از نه از جهل ندگان او مگر علمان و فرموده رسول صلی الله علیه و سلم
اِنَّمَا بَعِثْتُ مُعَلِّمًا لِّبَنِي آدَمَ وَ لَا تَمُوتُ اَوْ تَقُتُّ الْعِلْمُ رواه احمد
 علیه و سلم الله **اَجْوَدُ جَوَادٍ اَنَا اَجْوَدُ بَنِي آدَمَ وَ اَجْوَدُ هُمْ لِعَدَمِي رَجُلًا عِلْمًا**
عِلْمًا فَتَشْرُفُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ اُمَّةٌ وَ اَحَدٌ رَوَاهُ ابْنُ أَبِي شَيْبَةَ یعنی من برای علمای خود

مردم و حقوق باری

و من جواد ترین آدمیانم و جواد تر از دیان بعد من مردی باشد که علم آموخت و در مردم پراگنده کرد
 روز قیامت بیاید جماعتی تنها با هم را دارند آنست که هر چند امتی است نبی نیست که امت با وی باشد
 اما جماعت تلانده مثل امت باشد و فرموده رسول صلی الله علیه و سلم یُؤْتَانِ یَوْمَ الْقِیَمَةِ وَادَّ
 الْعُلَمَاءُ وَدَّمَ الشُّعْرَاءُ فَیَرْجِعُ مِیْدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلَیْ دَمِ الشُّعْرَاءِ رواه اندلسی عن عمر
 بن حصین یعنی وزن کرده خواهد شد روز قیامت سیاهی علما و خون شهیدان پس سیاهی علما
 غالب شود بر خون شهیدان اطاعت علما و اولیا اطاعت خدا و رسول است صلی الله علیه و سلم
 و محبت شان قال الله تعالی أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِی الْأَمْرِ مِنْكُمْ یعنی
 فرمان برداری کنید خدا را و رسول خدا را و کسانی را که امر خدا بر بنده بگمان رسانند یعنی مردم
 الله صلی الله علیه و سلم و اصحاب و اهل بیت و علیهم السلام و علمای ظاهر و باطن بطریق الرسول
 حقوق شان داخل حقوق العباد است اما الحق است بحق الله تعالی اگر اینها نبیند کسی خدا را حق
 و حق اسرار انبیکرد و رسول فرمود لَوْ كَا هَذَا أَنَا لِلَّهِ مَا اهْتَدَيْنَا وَكَانَتْ نَصْرًا قُنَا وَكَانَتْ
 صَلَاتِنَا یعنی اگر نبیند بدایت خدا با تزلزل کتب و ارسال رسل کسی هدایت نمی یافت و کسی
 زکوة و نماز میکرد اینها مستغفر قند و ذکر خدا از دیدن اینها خدا یاد می آید و دوستی و دشمنی ایشان
 دوستی و دشمنی با خدا است و حدیث قدسی آمده مِنْ عَادَى وَیْلَی فُقِدَا اذْنُهُ بِالْحَرْبِ
 رواه البخاری عن ابی هریره یعنی هر که دشمنی کند با ولی من پس خبر دارمی گتم او را با جنگ کردن با من نیز
 و حدیث قدسی آمده أُولَیَا بَیْ مَنْ عِبَادِی الَّذِينَ یُذْکَرُونَ بِذُنُوبِهِمْ وَادُّوْهُمْ
 رواه البغوی یعنی اولیای من از بندگان من کسانی هستند که یاد کرده شود بپایه کردن من و من یاد کرده شود
 از یاد کردن آنها بخیرین حدیث نبوی آمده صلی الله علیه و سلم قسم دوم قسمی که از حقوق العباد است
 است که منظر بعضی از حقوق اسد آمده اند و در ظاهر و اسطر افتاده اند و ایجاد و پرورش و روزی رساندن
 و مانند آن چنانچه مادر و پدر و اجداد و جدات و کسانی که در ظاهر حق تعالی بتوسط شان روزی رساند یا
 از آنها پرورش کنند یا نوعی از انعام مالی یا راحت بدنی یا عزت یا منفعتی از تنافع بتوسط شان رسان
 سگر اینها هم مثل مادر و پدر واجب است رسول فرمود صلی الله علیه و سلم مَنْ لَمْ یَشْكُرْ النَّاسَ لَوْ شِکَر

ظلم کنند فرمود **وَإِنْ ظَلَمَكُمْ وَإِنْ ظَلَمَكُمْ وَإِنْ ظَلَمَكُمْ** یعنی سه بار گفت اگر چه بر وی ظلم کنند و فرمود علی علیه السلام صامق و لکن **بَارِئٌ يَنْظُرُ إِلَى وَالِدَيْهِ** نظر که نگاه کند به پدر و مادرش و **نَظَرَ نَظْرَ حُجَّةٍ** منظور از آنست که نگاه کند به هر چه در نظر آید. یک حج بکند و از گناه مردم بگذرد و فرمود **لَا تَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ أَكْبَرُ وَأَطْيَبُ** یعنی حق تعالی بزرگترست و خوشتر و آیت کرده بود و حدیث را بهیچ از این عباس شخصی گفت یا رسول الله مرا اراده جهاد و دارم فرمود که ترا مادر هست گفت هست فرمود که در خدمت او باش هست نزد قدم اوست **حَدِيثُ إِنْ لَمْ يَكُنْ تَحْتَ أَقْدَامِ أَهْلِكَ** روایت کرد این را بهیچ از معاذ بن جابر این عمر

گفت یا رسول الله از فیست که من او را دوست میدارم و او را بکشد و **لَا تَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ أَكْبَرُ وَأَطْيَبُ** و ترمذی و ابوداؤد این را از ابن عمر آورده و ترمذی از رسول مسلم پرسید که حق مادر و پدر چیست فرمود که آنها بهترند و در نهج تواند این ماجرا این را از ابی امامه روایت کرده و پیش رسول مسلم آمد و گفت که پدر من حج

است بسو مال من یعنی میخواهد که مال من بگیرد فرمود **أَنْتَ وَمَالُكَ لَا يَمْلِكُ أَنْ أَوْكَلَهُ** من اَطْيَبُ كَسْبُكَ كَلَامُ مَنِ كَسَبَ او كَلَامُ كَرَاهٍ رواه ابوداؤد و ابن ماجه عن عمر بن شبيب عن ابن عمر بن جبره یعنی تو و مال تو برای پدر است بدینست که اول دشمنان از بکیره ترین کسب شماست بخورید شما از کسب اولاد خود پس نفقه مادر و پدر و واجداد و جهات که مفلس باشند گوشت بر کسب داشته باشند بر فرزندان و حلالی که قدرت بر کسب داشته باشند و حلیت اگر چه کافر باشند از اهل ذمه و صحابه و اهل بیت ابی بکر روایت کرده که از رسول کریم پرسید که مادر من آمده است و کافره است ضلع با و کنم فرمود آری بکن و اشتغال امر و رضا جوئی آنها و جب است مکر و صحبت و ترک قرآن ترمذی از عیسی بن عمر روایت کرده که فرمود رسول مسلم رضامندی خدار رضامندی پدر است و ناخوشی خود را ناخوشی پدر است حق تعالی فرمود

وَإِنْ جَاهَدَكَ عَلَى أَنْ تُكْفِرَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُكُمْ فِي اللَّهِ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ یعنی اگر ننگ کنند بر تو و مادر تو بر نیکو شرک گوئی با من خبری که تو علم نداری با من یعنی علم تجوید داری پس درین امر فرمان بردار آنها مکن و در دنیا صحبت بخوبی با آنها کن رسول مسلم فرمود **لَا تَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ أَكْبَرُ وَأَطْيَبُ** رواه احمد و الحاکم عن عمران و الحکیم عن عمر و النفا

وَمِنْ صِحِّينَ لِكُلِّ طَاعَةٍ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِنَّكُمْ الطَّاعَةُ فِي الْمَعْرُوفِ بِنَبِيِّ جَانِزْتِ فَرَمَانِ
 برداری بهجکس از مخلوقات در نافرمانی خدا طاعت جانزیت مگر آنچه در شرع جانزت **فصل** از جمل

حقوق پیدوستی گردنت یادوستان پیدونکونی گردن یادوستان پیدرسول فرمودعلی اسدعلیه

وَسَلَّمَ إِنَّ مِنْ أَوَّلِ الرِّسَالَةِ السَّخْلَ أَهْلَ وَدَّ أَبَيْهِ بَعْدَ أَنْ يُؤْتِيَ رِوَاهُ مُسْلِمٌ عَنْ أَبِي مُرَيْقَبٍ

کمال کونی آنست که صد کند باد وستانِ پدر و غیبت او و چشمتی چهار است از آنچه موجب وصلت و

اخلاص باشد در رعایت مالی و خدمت بدنی و حسن اخلاق **مصل** در حق اقربا و از جمله حقوق پدر

وما در انت صله می کنونی با ولادت آنها یعنی با برادران و خواهران و خالات پدر و مادر و اولادشان

وچنین لایحه‌ای را در دست می‌برد که در دست قریب تر باشد حق او زیاد تر باشد حق تعالی فرموده و چند جا

وَابْتَغِ الْفَضْلَ الْخَالِيَّ حَقَّهُ مُعْنَى بِهِ صَاحِبِ قَرَابَاتٍ حَقِّ اَوْ وَهْدًا كَرَسًا لِكَيْ لَا تَغْنَى بِاَشْدَادِ وَاجِبَتْ بِرُوحِي

ذی رحم محرم که فقیر باشد و بر کسب قدرت نباشد اگر مسلم باشد قال الله تعالی وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ

فلايك یعنی بروارث نفقه و حیات مثل نفقه اولاد و کسرس که ذی رحم محرم خود را مالک نشود بجز مالک

شدن آنرا و گردد اگر چه کما فرماید قال علیه السلام من ملک ذاریع محمد من صدق علیه

رواه احمد ابو داود و الحاكم عن سمره یعنی هر که مالک شود ذی رحم محرم خود را برود آزاد شود و جمع

کودن و وزن ذی الرحم محرم حرام است که موجب قطع رحم میشود و از اقربا هر کس که محرمیت گویند آن واجب

نَحْنُ لَكُمْ مَسْكُونُونَ وَاجِبٌ قَطْعُ رَحْمِ حَرَامَتِهَا وَمَا وَاقَفَتْ أَهْلُهَا تَرْفِيتُ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَلَقَ اللَّهُ الْخَلْقَ فَلَمَّا فَرَّغَ مِنْهُ قَامَتِ الرَّحْمَةُ

فَأَخَذَتِ الرَّحْمَنُ الْمُحْسِنِينَ فَقَالَتْ هَذَا مَقَامُ الْعَالِيَيْنِ مِنْ الْقَضِيَةِ قَالُوا أَلَا

تَوْضِيْحُ أَنَّ أَصْلَ مَنْ وَصَلَكَ وَأَطْعَ مَنْ طَعَمَكَ قَالَتْ بَلَى يَا رَبِّ قَالَ فَذَلِكَ مُصْفَقٌ عَلَيْكَ

یعنی خدای تعالیٰ پیدا کرد و خلق را و هرگاه که حق تعالیٰ از پیداکردن خلق فارغ شد رحم بر جنات و حقیر رحمان

گرفت حقوبه از آرا گویند و این مجازست و مراد است که از جناب این پناه جست غیب میگوید و غایت مجاز

فلان یعنی پناه جستم بسوی فلان حق تعالی رحم را فرمود که چه میخواهی گفت که استاده ام پناه جوینده از نظر

فرموده که ای اراضی نیشاب با آنکه من وصلت کنم با آنکه وصل کند ترا و قطع کنم از هر که قطع کند ترا گفت که اراضی بشدم

ای رب فرجین کنم در حدیث تدسی آمده انا الله وانا اليه راجعون اخفقت الرحم وسقفت لها من
 استحي فممن وصلها وصلته ومن قطعها بئس له رواه ابو داود والترمذي واحمد والحكم
 عن عبد الرحمن بن عوف والحاکم عن ابی هريرة یعنی من اندام من من رحم را پیدا کردم و از نام خود نام
 برآوردم پس هر که او را وصل کند من با وی وصل کنم و هر که او را قطع کند من از وی قطع کنم و بخاری از
 ابی هريرة از رسول مسلم روایت کرده که فرمود **الرحم شجنة من الرحمن** فقال الله ممن وصلك
 وصلته ومن قطعك قطعته یعنی رحم الصالحی دارویی کیفیت با خدای تعالی فرمود یعنی هر که
 ترا وصل کند من با وی وصل کنم و هر که ترا قطع کند من از وی قطع کنم و از عایشه رضی الله عنها در صحیحین نقل
 است در صحیحین از جبرین بن مطعم مرویست که فرمود رسول مسلم قاطع رحم واصل است از شد و بیعتی از
 عبدالمعین اونی روایت کرده که آنحضرت فرمود مسلم که رحمت نازل میشود که در آنها یک کس است مسلم رحم
 میشود و در وجوب صدر رحم و حرمت قطع احادیث بسیار وارد شده لهذا بر کس لازم که به نسبت خود
 خبردار باشد تا مسلم کند و قطع از وی بظهور نیاید **قائده** رسول فرمود مسلم حق برادر بزرگ و برادر
 خرد مثل حق برست بر پس این حدیث در بیعتی از سعید بن عباس روایت کرده حق سبحانه و تعالی بر کسی که فساد کند
 در زمین بر قاطع رحم لعنت کرده و گفته **فهل عسیکم ان تولیتم ان تفسدوا و انی لا ارض و تقطعوا**
ارحامکم اولئک الذین لعنهم الله فاصمهم و اعمی ابصارهم یعنی قریب است که اگر
 در دانی کنید از حکم خدا آنکه فساد کنید در زمین قطع کنید ارحام خود را آنها هستند که لعنت کرده بر آنها حق تعالی پس
 که نمود آنها را که حق نمی شنوند و کور گردیدند بای آنها را که حق را نمی بینند تا امامی جنبل رحمة الله علیه لعنت زید
 جان گرفته و با وجود قبیل می شمارید تا بر قطع رحم با بن آیه بر جوار لعنت او استدلال کرده **معمول** زرد و قرمز
 اگر یکی را دوم بدست گیرد و قطع رحم نماید و دوم را از وی قطع جائز باشد یا نه **جواب** دوم را لازم
 که سگ کند و قطع کند و وبال قطع رحم بر قاطع رحم خواهد شد و برکات صدر بر او صل رسول فرمود **صلکم**
الواصل بالمکافی و لکن الاواصل الذی اذا قطعت رحمته وصلها رواه البخاری
 عن ابن عمر یعنی واصل آن نیست که در مقابلت نکوئی نکوئی کند واصل است که اگر قطع کرده
 رحم از او سگ کند یعنی عوضی نیکی کند **بیت** بدی را بدی سپین باشد جزا اگر روی احسن الی من

احسن الی من
 جوی از بیعت
 شد و خیر صحت
 سببی که در
 دارد و در
 جزو نیست از
 جنت او خدای
 و شکست
 است با او پس قاطع رحم
 در طهارت است
 مواضعی که
 سواد سگ
 العالی
 عده و در
 از بیعت
 که بیعت
 که قاطع از بیعت
 و بیعت از بیعت
 با بیعت
 بیعتی قطع رحم
 بیان ندارد
 که بیعتی محمد
 سعاد سگ
 العالی

تسلیم از ابرهیره روایت کرده که مردی از رسول صلعم گفت که یا رسول الله مرا آفرمایند من صله آنها را
 و آنها از من قطع میکنند و من آنها را نمی بینم و آنها بی می کنند و من از آنها محرم می گم و آنها بر من چل می کنند
 فرمود صلی الله علیه و آله و سلم **كَلِمَاتٌ كَحَقَّكَ فَإِنَّمَا أَتَيْتَهُمُ الْمَلَائِكَةُ وَكَلَّمَكَ اللَّهُ مَعَكَ**
ظَهَرَ لَكَ عَلَيْهِمْ مَا دُمْتَ عَلَى خَلْقِكَ یعنی اگر بخشنی است که تو می گویی پس گویا تو می خورانی آنها را که بهتر
 اگر نمی خورانی که هلاکت آنها است همیشه ترا از خداوند و گاری خواهد بود بر آنها مادامیکه برین خصلت باشی
فائدة صله رحم سوای ثواب و آخرت در دنیا فواید بسیار دارد و رسول فرمود **مَنْ أَحَبَّ**
أَنْ يُبَسِّطَ لَهُ رُزْقَهُ وَ يُنْشَأَ لَهُ فِي آثَرِهِ قَلِيلٌ صَلَّ رَحِمَةً مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ مِنَ النَّاسِ یعنی هر که خواهد که فراخ
 شود رزق و مال و پادشاهی و از ناز و اولاد و مانند آن ذکر کنندگان خیر پس باید که صله رحم کند و رسول
 فرمود **صَلِّ عَلَى مَنْ أَمْسَكَكَ مَا تَصِلُونَ بِهِ أَرْحَامَكُمْ فَإِنَّ صَلَاةَ الرَّحِمِ حَبَّةٌ فِي الْأَقْلَامِ** و
 فِي الْمَالِ مَسَاةٌ فِي الْكَافِرِ رواه الترمذی من ابیهیره یعنی ترا بتبای خود یاد داشته باشی تا صله رحم کنی
 صله رحم موجب محبت است در اهل و عیال و موجب زیادتست در مال و بقا ذکر و قاطع رحم را سوار آنکه عذاب باشد
 آخرت و بال در دنیا هم لاف شود رسول فرمود **مَنْ ذَنْبٌ أَحْرَفَ أَنْ يُجْعَلَ اللَّهُ لَصَاحِبِهِ**
الْمُعْوَبَةُ فِي الدُّنْيَا مَعَ مَا يَكُونُ لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْبَغْيِ وَ طَبِيعَةِ الرَّحِيمِ رواه الترمذی و
 ابوداود و عن ابی کبیر یعنی گناهی نیست لاف ترا بکنه عقریت و وبال رسد صاحب او را در دنیا با نکه و خیر
 داشته شود عذاب برای او و آخرت از بغی بران با پادشاه عادل و قطع کردن رحم و تیر بهی از ابی کبیر
 روایت کرده که رسول فرمود **صَلِّ عَلَى مَنْ شَاءَ لَا عَقْرَاقَ الْوَالِدَيْنِ فَإِنَّهُ**
يُجْعَلُ لَصَاحِبِهِ فِي الْحَيَاةِ قَبْلَ أَمَاتٍ یعنی هر گناه که باشد غیبت خدای تعالی او را آنچه بخواهد مگر
 عقوق و الدین پس هر چه بکند بعد برساند او را عذاب در زندگی پیش از مرگ **فصل** و چون نظر بر حقوق
 پروردگار و صله برادران و خواهران و دیگران واجب شد نظر بر حقوق رسول صلعم و خلفا و این
 و استادان صله و نمکونی با جماعه سادات و مشایخ و فرزندان برین و استادان هم ضرورت فانی
 الله تعالی قل لا أسئلكم عليه حرجا إلا المودة في القربى بگوای محمد بنحو اسم هم از شما
 بر تبلیغ رسالت فزوری لیکن دوستی داشتن مدارق بای من نما را بسیارید و قال الله تعالی قل

حقوق برادران استادان و نمکونی با مشایخ و سادات

اِنْكَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَكِنْ اَنْتَا اَوَّلُ الْعَالَمِينَ یعنی گویا محمد کسانی را که خدا را اولد ثابت میکنند تعالی الله
عز و جل که رحمن اولاد میدهد من اول عبادت او میکردم حق تعالی ازان منزله است ازین آیه مستفاد میشود
که هر که راضی بزدن و غصبی باشد باید که با اولاد او ادب حق کند **سوال** از اولاد سادات و پیرزادگان
اگر کسی ستم نکافد یا راضی باشد با او چه سلوک باید کرد **جواب** اگر فاسق باشد نصیحت باید کرد و او را
حق باید نمود و اگر راضی مانند آن باشد که بکفر سازد با او دوستی نباید نمود حق تعالی میفرماید یا ایها الذین

اَمْ نُولَا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَكْفُرُونَ الْاُخْرَىٰ كَمَا يَكْفُرُ الْكَافِرُ
 مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ یعنی ای مسلمانان! متشی کنید با قومی که خدا غضب دارد بر آنها بدستیکه نامیدند باز
 اُخْرَى چنانکه نامیدند کفار از اصحاب قبور و حق تعالی میفرماید و حق پیر نوح علیه السلام که لیس
 مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ و رسول فرمود صلوات ال اَبی فُلَانٍ لیس عَمَلِیْ اَیْ اَیْ
 اَتَا وَلِیَّ اللَّهِ وَصَلَّى الْمُؤْمِنِیْنَ وَلَٰكِنْ لَهُمْ رَحْمٌ اَبْلَغٌ بِهَا لَهَا مَتَّقٌ عَلَیْهِ عَنْ عَرَبِیْنَ
 العاص یعنی آل ابی فلان ستمند را اولیا و دوستان و دوست من خدایت و صالح مسلمانان لیکن آنها را بن
 قرابت صلوات رحم میکنم از بن حدیث مفهوم میشود که سادات و پیر زادگان و افر باخود اگر کافر باشند باز فضی
 یا خارجی که کفر رسانند و متشی بآنها نباید کرد لیکن از صلوات احسان و رینع نباید کرد قال الله تعالی لَا تَهْتَكُوا

الله عن الذين كذبوا بآياتنا في الدين ولم يجزوا كميناً دياركم ان تدبروهم ونفسطوا
 اليه يعني بکفر اهل مکه احسان کردن و کمونی کردن ممنوع نیست **فصل** و ملحق بحق والدینست
 حق مرضعه که حق سبحانه تعالی حرام کرده است از رضاع آنچه حرام کرده از نسب جمع بین الاختین در نكاح
 حرام است رضاء گانچه بین الاختین نشأ حرام است تا موجب قطع نباشد ای داد و از ای الطفیل وایت
 کرده که رسول صلی الله علیه و سلم بر آن مرضعه خود جوار خود فرست کرد و بر آن نشانید **قسم ثالث** قسم
 دیگر از حقوق حق کسانی که حق تعالی آنها را مظہر قہاری و مالکیت خود ساخته و آن حق سلطان مسلم و امیر
 و حق قاضیست بر رعیت و حق شوهر بر زن و حق اسید بر عبد و حق قہرمان خانہ بر تمام اہلبیت کہ بند و سبت
 ملک شہر و خانہ بوجدت قہری تعلق دارد **فصل** اطاعت سلطان و امیر شہر و امیر کمر واجبست
 بر رعیت در آنچه خلاف شرع حکم کند اگر چه خلاف طبع آنها باشد قال الله تعالی اطيعوا الله واطيعوا الرسول

فیضانِ رحمتِ اعلیٰ و اعلیٰ
فیضانِ رحمتِ اعلیٰ و اعلیٰ

وَأُولَئِكَ هُم مِّنكُمْ سَلَامٌ عَلَى السَّالِمِينَ وَرَسُولُكَ مُرِيدٌ بِالسَّالِمِينَ وَرَسُولُكَ مُرِيدٌ بِالسَّالِمِينَ
 أَطَاعَ اللَّهُ وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَمَنْ يَطِيعُ أَمْرِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ يَعْصِ
 أَمْرِي فَقَدْ عَصَانِي وَأَمَّا مَا جَاءَ مِنْ يَدَيْهِ مِنْ وَرَائِهِ وَتَقَى بِهِ فَإِنْ أَمَرَ بِتَقَاتِ اللَّهِ وَعَدَ
 فَإِنَّ لَهُ بِذَلِكَ أَجْرًا وَإِنْ قَالَ بَعْدَهُ فَإِنَّ مِنْهُ عَلَيْهِ ذَرَامٌ وَفِي مَنَاقِبِهِ مِنْهُ إِسْبَاطٌ
 بِنِي هَرَكَةَ فَرْمَانِ بَرْدَارِ مَنْ كَرْدَ فَرْمَانِ بَرْدَارِ مَنْ كَرْدَ فَرْمَانِ بَرْدَارِ مَنْ كَرْدَ فَرْمَانِ بَرْدَارِ
 بَرْدَارِ امِيرِ كَرْدَ فَرْمَانِ بَرْدَارِ مَنْ كَرْدَ فَرْمَانِ بَرْدَارِ امِيرِ كَرْدَ فَرْمَانِ بَرْدَارِ امِيرِ كَرْدَ فَرْمَانِ بَرْدَارِ
 مَرْدَمِ كَرْدَ فَرْمَانِ بَرْدَارِ مَنْ كَرْدَ فَرْمَانِ بَرْدَارِ امِيرِ كَرْدَ فَرْمَانِ بَرْدَارِ امِيرِ كَرْدَ فَرْمَانِ بَرْدَارِ
 اَلْخَيْرِ بَرْدَارِ بَرْدَارِ بَرْدَارِ بَرْدَارِ بَرْدَارِ بَرْدَارِ بَرْدَارِ بَرْدَارِ بَرْدَارِ بَرْدَارِ بَرْدَارِ بَرْدَارِ
 اسْتَعْمَلْ عَلَيْكُمْ عَبْدَ حَبِشِي كَانَ رَأْسَهُ كَبْشِي رَوَاهُ الْبَخَارِيُّ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ
 بَرْدَارِ كُنْدِ امِيرِ اَلْجَرَجِ حَاكِمِ كَرْدَ شَوْزِ شَمَاغِلِ حَبِشِي كَرْدَ شَوْزِ شَمَاغِلِ حَبِشِي كَرْدَ شَوْزِ شَمَاغِلِ حَبِشِي
 وَالطَّاعَةُ عَلَى النَّاسِ لِلَّهِ فَالْحَبِشِيُّ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا كُنْتُ مِمَّنْ عَصَيْتُهُ فَإِذَا أَمَرْتُ بِعَصِيَةٍ فَلَا تَسْمَعُوا وَلَا طَاعَةَ
 مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ عَنْ ابْنِ عُمَرَ عَنْ عَلِيٍّ عَنْهُ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ
 آتُوا أَوْرَاءَ نَاخُوشِ وَتَقِيكُمْ أَمْرُكُمْ كَرْدَ شَوْزِ شَمَاغِلِ حَبِشِي كَرْدَ شَوْزِ شَمَاغِلِ حَبِشِي كَرْدَ شَوْزِ شَمَاغِلِ حَبِشِي
 فَرْمُوهُ عَلَى السَّالِمِينَ وَمَنْ رَأَى مِنْ أَمِيرِهِ شَيْئًا يَكْرَهُهُ فَلْيَصْبِرْ فَإِنَّهُ كَيْشُ أَحَدٍ يَفَارِقُ
 الْجَمَاعَةَ شَبْرًا فَيَمُوتُ الْأَمَاتُ مِنْهُ جَاهِلِيَّةٌ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ
 بَخِيرِي كَرْدَ شَوْزِ شَمَاغِلِ حَبِشِي كَرْدَ شَوْزِ شَمَاغِلِ حَبِشِي كَرْدَ شَوْزِ شَمَاغِلِ حَبِشِي كَرْدَ شَوْزِ شَمَاغِلِ حَبِشِي
 كَيْتُ جَبِ بَرْدَارِ حَلِّ مَكْرُومَةٍ بَارْدَارِ حَلِّ مَكْرُومَةٍ بَارْدَارِ حَلِّ مَكْرُومَةٍ بَارْدَارِ حَلِّ مَكْرُومَةٍ بَارْدَارِ
 وَأَمَّا أَتَنُكْرُوهُنَّ قَالُوا فَمَا نَأْمُرُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَدْعُوا إِلَيْهِمْ حَقَّهُمْ وَاسْأَلُوا
 اللَّهَ حَقَّهُمْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ
 تَاخُوشِ اَرِيدُ اَبَارِانَ كَفْتَنْدِ بَرْدَارِ مَنْ كَرْدَ فَرْمَانِ بَرْدَارِ مَنْ كَرْدَ فَرْمَانِ بَرْدَارِ مَنْ كَرْدَ فَرْمَانِ بَرْدَارِ
 يَا رَسُولَ اللَّهِ اَلَا بَارْدَارِ مَنْ كَرْدَ فَرْمَانِ بَرْدَارِ مَنْ كَرْدَ فَرْمَانِ بَرْدَارِ مَنْ كَرْدَ فَرْمَانِ بَرْدَارِ
 عَلَيْكُمْ مَا حَلَمْتُمْ رَوَاهُ الْمَوْسُوعِيُّ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ

فصل في حق القصة

میرزا علی محمد خان

مستطاب

کنید پس رسید که چیست بر آنها انچه حق تعالی بر ذلک آنها واجب کرده است از عدالت و عین پروردگار و
بر شما انچه بر شما واجب کرده است یعنی اطاعت و فرمان داری **فصل** اگر قاضی حکم کند موافق شرع و

که بطیب خاطر آنرا قبول کرده شود که حق تعالی میفرماید: فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُ قَوْمٌ حَتَّىٰ يَكُونُوا فِيكُمْ

شَرِبُوا مِنْهُ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيَسْلَمُوْا تَسْلِيمًا

نخاهند و در دنا آنکه عالم گردانند ترا در آنچه منازعت شود پستتر نیابند و در دلهای خود نیکی و ناخوشی از آنچه حکم کنی و

قبول کئے قبول کرونی آری ہدایہ گفتہ کہ اگر قاضی گوید حکم کریم برین کہ این را سنگ ارکن بایدست قطع کن یا

دوره نبرن جائزست بجای آوردن آن و امام ایدمنصو گفته که اگر قاضی عالم و عادل باشد بجای آورد و اگر جاهل

و عادل باشد و بر آن برسد پس اگر وجه معقول گفت بجا آرد و الا نکند و اگر فایده سطحی بجا آید و اگر فایده

سبب حکم او به بند فصل در حق شوهر بر زن احادیث بسیار اند رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم

كُنْتُ أَمْرًا وَاحِدًا أَنْ يَسْجُدَ لِوَاحِدٍ لَمْ تَكُنْ الْمَرْأَةُ أَنْ تَسْجُدَ لِزَوْجِهَا رَوَاهُ الرَّزْمِيُّ وَالْبُخَارِيُّ

و نحوه از قیس بن سعد و احمد از معاذ و ابیهریره یعنی اگر امر میکرد و کسی را که سجده کند کسی بر آینه امر میکردم

زنان را که سجده کنند شوم خود را و تری از ابراهیم علیه روایت کرده که رسول فرمود صلی الله

علیه وسلم بر زنی که مرد و شوهرش از و راضی است داخل بهشت شود ابو نعیم و حلیه از

انفس روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم ہر زنی کہ نماز پنجگاہ نہ خواند و روزی

ماه رمضان گذارد و عفت و زرد و فرمان برداری شوهر کند و اخل شود و به بهشت از

هر دو که خواهد و آنچه از عالیه روایت کرده که آنحضرت فرمود اگر برای سجده کسی را حکم می‌کند

زن را حکم میکردم که سید و کند نشوید و اگر شوهر زن را حکم کند که از کوه سیاه بکوه سفید و از کوه سفید

بگو سیاه سنگیابرو باید که همچنان کند ز غری و ابن ماجه از معاذ روایت کرده که رسول فرمود

صلی السلاطین علیہ السلام اگر فی مشور خود را از امید مدح و ران بهشت میگویند لغت کند بر تو خدا نیست این شخص

سورة العنكبوت اذا انظر سيده واحسن عباده الله فله اجره من منفق عليه عن عبد

وَسَمِ الْغُلَامَ إِذَا نَصَرَ صَيِّدَهُ وَاحْسَنَ عِبَادَةَ اللَّهِ فَلَهُ أَجْرُهُ مِثْلُ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ

بن عرویندی بستی که غلام اگر خیرخواهی مالک خود کند و نیک کند عبادت خداد و چندان ثواب بد فرموا

يَعْلَمُ الْمَوْلُودَ أَن يُلْحَقَ بِاللَّهِ يُخْلَسُ عَلَيْهِ اسْمُهُ يَوْمَ يَكُونُ لَهَا رُحْلَةٌ وَيُكَفَّلُ لَهَا سِتْرٌ وَيَكْتُمُ لَهَا مِيزَانٌ
 ابلی هریره یعنی خوشحال بنده ملک که میزد و نیک کند عبادت پروردگار خود و فرمان برادر مالک خود

خوشحال او و فرمود آنسر و علیه السلام اِذَا ابْنُ الْعَبْدِ كَوِّنْ لَهُ مَصْلُوكًا وَفِي رِجَالِهِ اَلْجَمْعُ
 عَنِ ابْنِ ابْنِ مَوَالِيهِ فَقَدْ كَفَّرَ حَتَّى يَرْجِعَ الْفُجُورُ وَاهِ اسلم عن جری یعنی اگر غلام بگیرد نماز او
 قبول نشود و در روایتی هر غلامی که بگزید از مالکان خود تحقیق کافر شود تا و تنگی باز نیاید نشان
 یعنی کافر نیست باشد و بهیچ از جای بر روایت کرده که رسول فرمود صلعم کس نماز قبول نشود غلامی که بگیرد
 تا که باززد مالک خود آید و زنی که شوهرش بر و ناخوش باشد و ست تا که بهوش آید و فرمود صلی الله علیه
 و سلم کُلُّ مَن كَانَ عَلَى رُجُلَيْهِ اَوْ عَيْنَايَ سَيِّدًا رَوَاهُ ابوداود و ابن ابی شیبہ
 یعنی هر کس که در غلامان و فاسد کند زنی را بر شوهرش غلامی را بر مالک او قسم چهارم قسمی
 از حقوق عباد حق است بر سلطان امیر قاضی حق زوج بر شوهر و حق پدر بر پسر و تربیت فرزندان
 صغیر بر پدر و مادر و حق ملک بر ملک که انیمه و دایع حق سجانه تعالی بر ذات بی نیاز خود بر
 مملوکان و بندگان خود رحمت واجب کرده پس که را که در دنیا را می ساخته و مالک گردانیده بر و هم در آن

ساخته قال رسول الله عليه السلام لا تُلْحَقُوا رَاجِعَ وَكُلُّكُمْ مُسْتَوِلٌ عَنْ رَجْعَتِهِ وَكَانَ مَأْمُورًا
 عَلَى النَّاسِ رَاجِعَ وَهُوَ مُسْتَوِلٌ عَنْ رَجْعَتِهِ وَالرَّجُلُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مُسْتَوِلٌ عَنْ

رَجْعَتِهِ وَالْمَرْأَةُ رَاجِعَةٌ عَلَى بَيْتِ رُجُلِهَا وَوَلَدُهَا وَهِيَ مُسْتَوِلَةٌ عَنْ رَجْعَتِهَا وَ
 عَبْدُ الرَّجُلِ رَاجِعٌ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَهُوَ مُسْتَوِلٌ عَنْهُ اَلَا فَكُلُّكُمْ رَاجِعٌ وَكُلُّكُمْ

مُسْتَوِلٌ عَنْ رَجْعَتِهِ متفق علیه عن عبد الله بن عمر یعنی اگر چه باشد که هر یکی از شما را می است و
 هر یکی از شما سوال کرده خواهد شد از رعیت او که بجا آید یا نه از ائمه و مومنان نه شده پادشاه بر

تمام میان را رعیت سوال کرده خواهد شد از رعیت او و مرد و اهل بیت خود را رعیت از آنها سوال کرد
 خواهد شد و زن بر خانه شوهر و اولاد او را رعیت از آنها سوال کرده شود و غلام بر مال مولی را رعیت

از ان سوال کرده خواهد شد فصل در حق رعیت بر پادشاه و امیر رسول فرمود صلی الله علیه و سلم مَا
 مِنْ وَاَلِ نَبِيٍّ اَوْ رَجْعَتِهِ مِنْ الْمُسْلِمِينَ فِيمَا وَهُوَ غَائِبٌ اَلَا حُرْمَةٌ عَلَيْهِ اِنْ جَنَّهُ اَنْ يَمْتَنِعَ عَلَيْهِ

فصل فی حق رعیت علی السلاطین

يَا كُلُّ وَلِيٍّ لَيْسَ بِمَا لَيْسَ وَلَا يَكْفِيهِ مِنَ الْعَمَلِ مَا يَغْلِبُهُ فَإِنْ كَفَّهُ مَا يَغْلِبُهُ فَلْيَعْنَهُ
متفق عليه عن ابی فی رعنی برادران شما اند که در استنباط الله تعالی نیست نهائیس هر که حق تعالی بر او را بر او است که بگوید
که بخواند او را آنچه خود بخورد و بپوشاند او را آنچه خود پوشد و تکلیف بدو را بکاریکه بروی شاق باشد
و اگر بکاری شاق کند خود هم در کار او کند بران کار فرموده اِذَا اصْنَعْتَ لِأَخِي كَمَا دُمْتَ طَعَامًا
مُتَّحِجًا وَقَدْ وَلِيَ حَرًّا وَدُخَانًا فَلْيَقْعِدْهُ مَعَهُ فَلْيَأْكُلْ فَإِنْ كَانَ الطَّعَامُ مَشْهُورًا
قَلِيلًا فَلْيَصْنَعْ فِي بَيْتِهِ مِنْهُ أَكَلَةً أَوْ أَكَلَتَانِ رواه مسلم عن ابی هریرة یعنی و تفکیک طیار کند برای
یکی از شما خادم او طعامی بسیار بپزد آن طعام و بدستیک گرمی آتش و دو او برداشته است پس باید که بنشاند او را
همراه خود تا بخورد و اگر طعام اندک باشد و خورنده بسیار باید که بنهد در دست او یک انگشت یا دو انگشت و فرموده مسلم من قَدَّ
مَمْلُوكُهُ وَهُوَ يَتَوَضَّعُ فَمَا قَالَ حَيْلٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ متفق عليه عن ابی هریرة یعنی هر که نسبت زن کند مملوک خود را
و او بایک باشد از ان و را حق تعالی روز قیامت حدیث زند و فرمود من ضَرَبَ غُلَامًا لَهُ حَدُّ الْكَافِرِ
يَأْتِيهِ أَوْ لَطَمَهُ فَإِنْ كَذَّابًا أَنَّهُ لَيُعَذِّبُهُ رواه مسلم عن ابن عمر یعنی هر که زند غلام خود را حد و او
موجب حد نموده است یا او را طایف آنچه زند پس کفاره او آنست که او را آزاد کند و مسلم از ابی مسعود رضی الله عنه
روایت کرده که من غلام خود را میزدم از بیست و آواری شنیدم که بدان ای ابا مسعود که حق تعالی ز تو قضا
ترست از آنچه تو برین غلام قدرت داری چون پیشت دیدم رسول خدا بود و مسلم گفت یا رسول الله این را
برای خدا آزاد کردم فرمود اگر چنین نیکو دی آتش بتو بکشد یا آخر کلام رسول در مرض موت او بود
الصَّلَاةُ وَ مَا صَلَّيْتَ إِلَّا مَا كُنْتُ رواه ابی هریرة فی شعب الایمان عن ام سلمة و احمد و ابوداود و عن علی بن
یعنی محافظت کنید نماز و بر حقوق مملوکان و فرمود آنحضرت مسلم نَلَسْتُ مَنْ كُنَّ فِيهِ كِبَرُ اللَّهِ حَقَّقَهُ وَادَّ
جَسَدُهُ رَفَقَ بِالضَّعِيفِ وَ شَفَقَهُ بِالْأَوْدَانِ وَ احْسَنَ إِلَى الْمَمْلُوكِ رواه الترمذی عن حماد بن
یعنی هر وقت که در وی باشد شفق تعالی موت او آسان کند و او را داخل بهشت سازد و هر بانی ضعیفان
و شفق بر پدر و مادر و کوفتی با مملوکان مردی از آنحضرت پرسید که یا رسول الله چند بار از خادم عفو نصیر
کنم آنحضرت دو بار جواب دادم تبسم فرمود که هر روز گفتا و بار خبشید رواه الترمذی عن عبد الله بن عمر
ابوداود عن ابن عمر و فرمود آنحضرت مسلم کاه بشیخه میبیم شمارا به بدترین شما بدترین شما کسی است که

میخوردند و نیز نمک خود را و نمک خود را و راه زرین عن ابهره استغنی بر فدا عانت و مردگانش در خیر
 رسم بود که هر کس بشهر طاق خود مال می آورد پس مال بسیار جمع میشد پس از آن طعام و شمش خرید میکرد و در موسم
 حج مردم میخیزانیدند و سریت میوشانیدند پس فدا عبارتست از مالی که از شهر جمع کرده بپای صاد و وارد
 مسکین نگاه دارند **فصل** ملک اگر جانور باشد برانهم احسان ضرورت رسول کریم صلعم است لا غرر
 فرمود الله فی هذه البهايمة العجبة فان کبواها صالحة و انزلوها صالحة رواه
 ابو داود عن سهل بن خنيسه یقنی تبرید از خدا در حق این جانوران بی زبان سوار کنید بر آنها بخو
 و بگذارید آنها را بخوبی **فصل** قسمی گیر از حقوق العباد حق همایه و صحبت و هم سفرست که مظهر قرآن
 تعالی مستندین است و تعبد لله ولا تشركوا به شیئا و یا لوالدین احسانا و بذی القربى
 و البیت و المساکین و الجار ذی القربى و الجار الجنب و الصاحب یا الحب و ابن
 التبیل و ما ملکت آیمانکم یعنی عبادت کنید خدا را و شریک کنید در عبادت او چیزی را و نمکوی کنید
 باید و ما در نمکوی کردنی و با صاحب قرابت و یتیمان و مسکینان و همسایه که قریب باشد همسایگی ابو نعیم
 متصل باشد یا آنکه همسایه باشد و قرابت و نسب یا در بین دانسته باشد و همسایه که بی اختیار باشد و یا صحبت
 و این بمابض مجاهد و عکر گفته که صاحب با محبت هم سفر باشد و علی رضی الله عنه و ابن مسعود گفته اند که مرد و ازا
 زنت و مسافران یعنی گویند که از ابن ابی بیل همان مرادست و مملوکان خود را رسول فرمود صلعم الجار
 ثلثة فجاء له ثلثة محقوق حق الجوار و حق القرابة و حق الاسلام و جاء له
 حقان حق الجوار و حق الاسلام و جاء له حق واحد و هو المشرقة من اهل الکتاب
 رواه ابو نعیم فی الحلیة و الحسن بن سفیان و البرازی فی مسندها عن جابر یعنی همسایگان سه قسمند یکی همسایه
 که او را حقست حق جوار و حق قرابت و حق اسلام و یک همسایه را و حقست حق جوار و حق اسلام و یک همسایه
 یک حق است که شریک باشد از اهل کتاب و ابن عدی از عبد الله بن عمر بن خطاب روایت کرده که رسول فرمود صلعم
 کرمین جارتی علی تجار فقول یا رب اسأل هذا لعلی عینی بابه و منع فی فضله
 رواه ابن صنفانی عن ابن عمر یعنی بسیار همسایه باشد که بگیرد همسایه خود را و بگوید ای پروردگار پس
 ازین چرا بزرگوار خود را از من و از مرد مرا پس خود را خود بخاری ازین عمر روایت کرده که

حق مسکین و یتیمان
 حق مالک و مالک با هم

[illegible]

مَنِ احْبَبَ بَعْضَ النَّاسِ دُرَّخَرَّتْ بَاكِيَةً شَدَّكَ اَوْ رَاوَدَتْ وَاَرَادَ رَحْمَةُ تَعَالَى مِثْلَ ذَلِكَ يَوْمَ مِثْلِهِ
 بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدَاوَةٌ وَلَهُمُ الشُّبُهَاتُ يَعْنِي دُوسَنَانِ وَزُقَايَاكُمْ تُشْمَنُ تُشْمَنُ مِثْلُ شَقِيانَ وَرَحْمَةُ تَعَالَى مِثْلُهُ
 كَرِهَ دُوسَمُ دُرَّ وَزُقَايَا بَرْدُ سَتِي كَرُونِ بَابِدَانِ حَسْرَتِ نَوَابِهْدُ كَرُو نَوَابِهْدُ كَفْتُ يَا وَكَلْتُ كَرُو اَتَجِدُ
 فَلَا تَاْخِلُكَ اَيِ هَلَاكِي مِنْ كَاثِلِكِي مِنْ نِيْكَرَتَمُ فَلَا كَسْرَادُ دُوسَمُ مَوَلَوِي رُوْمُ مِيْكَوِيْدُ مَوَلَوِي
 دُورُ شُوَاوَزِ اَحْمَلَاطِ يَارِبِدْ يَارِبِدْ بَدْرُ بُوَاوَزِ يَارِبِدْ يَارِبِدْ نَهَايَمِنْ بَرَجَانِ زَنْدِ يَارِبِدْ بَرَجَانِ بَرَجَانِ
 صَبِيحَتِ سَالِحِ وَرَا سَالِحِ كَنْدُ صَبِيحَتِ طَالِحِ تَرَا طَالِحِ كَنْدُ نَارُ خُشْدَانِ مَبَاغِ رَا خُشْدَانِ كَنْدُ صَبِيحَتِ نِيْكَانِ تَرَا نِيْكَانِ
 وَتَحْسِيحِ اَزِ اِيْمِرِيَهْ رُوْمُ مَوَلَوِي كَرُو حَدِيثِ طَوِيلِ اَزِ رَسُوْلِ كَرِيْمِ دُرْحَنِ جَاعَتِ ذُكْرُ كَنْدُ گَانِ كَرُو چُونِ حَسْرَتِ
 بَرَا نَهَا حَسْرَتِ كَنْدُ وَخَشَايِدِ تَعَامُ نَهْمُ شِيَانِ تَهْنَارِ اَتَجَشَايِدِ فَرَشْتَهْ اَزِ فَرَشْتَهَانِ گُوِيْدَايِ يَرُوْرُ دُكَارُ مَوَلَوِي
 مَسْكَرَا اَزَا نَهَانِيْتِ بَرَا گَارِي اَلَمُ دُرُزَا نَهَانِيْتِ رَحْمَةُ تَعَالَى فَرَا مَدُكْرُو اَوَا نَهْمُ نَجَشِيْدُ مِ اَنُ تُوْمِيْتِ كَرُو
 نَهْمُ شِيَانِ نَجَشْتِ نَبَا شَدُ وَلِهَذَا رَسُوْلُ كَرِيْمِ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهْمُ شِيَانِ بَرُوْمُ سَايِدِ بَرَجَانِ حَسْبَةُ طَبْرَانِ
 اَزِ عَقِبِ بْنِ عَامِرٍ رَوَايَتِ كَرُو كَرُو رَسُوْلُ مَعْلُوْمُ دُرُوْعَايِ خُوْدُ مِيْكَفَتِ اَللّٰهُ حَرَا لِيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ يَوْمٍ
 الْمَشْوَعِ وَمِنْ سَاكَمَةِ الشَّوْخِ وَمِنْ لِيْكَامَةِ الشَّوْخِ وَمِنْ صَاغِبِ الشَّوْخِ وَمِنْ جَاوَالِ الشَّوْخِ
 فِيْ دَارِ الْمَقَامَةِ يَعْنِي اَلْحَيِّ پَنَاهِ سَجُوْمُ يُوَاوَزِ رُوْبِدُيْ اَزِ سَاعَتِ بَدِيْ اَزِ شَبْتِ يِ يَعْنِي اَزِ رُوْبِدِ
 وَشَبْتِ سَاعَتِيْ كَرُو اَنِ بَدِيْ وَاقِعُ شُوُوْ وَازِ تَهْمُ شِيَانِ بَدِيْ هِمَسَايِدِ يَعْنِي نَهْمُ شِيَانِ هِمَسَايِدِ مَصِيْدِ
 هِمَسَايِدِ كَرُو خَانَهْ قَامَتِ هِمَسَايِدِ بَاوَبِرَايِ اَحْمَارِ هِمَسَايِدِ رَسُوْلُ كَرِيْمِ دُرْحَنِ حَسْرَتِ وَاجِبِ كَرُو فَرَشْتَهْ
 بَايِدُ اَكْرَشْتِيْ نِيْكَ مَوَلَوِي طَلَبِ شَفْعَهْ كَنْدُ اَكْرَبِدُ اَزِ خَرِيْدَاوَا ضِيْ شُوُوْ شَمُ شَمُ شَمُ شَمُ شَمُ شَمُ شَمُ شَمُ شَمُ شَمُ
 حَسْرَتِ كَرُو عَاوَزِ ضَعِيْفِ وَتَمِيْمِ مَسْكِيْنِ يَابِيَارِ يَابُوَهْ وَرَحْمَةُ سَأَلْتِ وَرَحْمَةُ مَسَاوِرِ مِهْمَانِ كَرُو اَرُ شُوُوْ
 قَالَ رَحْمَةُ تَعَالَى وَاتَى اَلْمَالُ عَلَيَّ حَبِيْهً ذَوِي الْقُرْبَى وَ اَلْيَتَمَى وَ اَلْمَسَاكِيْنَ وَ اَبْنُ السَّبِيْلِ
 وَ اَلْمَسَاكِيْنَ وَ رَفِيْ اَلْاَرْقَابِ وَ فَرَمُوْدَاتِ ذَا الْقُرْبَى حَقُّهُ وَ اَلْمَسْكِيْنِ وَ اَبْنُ السَّبِيْلِ يَعْنِي سَبِيْلُ
 كَسِيْتِ كَرُو اَدَمَالِ بَرْدُ سَتِي خُذَاوِي الْقُرْبَى وَ يَتِيْمَانِ وَ مَسْكِيْنَانِ وَ مَسَاوِرَانِ وَ مَسَاوِرَانِ رُوْمُ دُرُزَارِ
 بَنْدُ گَانِ وَ فَرَمُوْدُ رَحْمَةُ تَعَالَى نَاْمَا اَلْيَتِيْمِ فَلَا تَقْهَرْ وَ اَمَّا السَّائِلُ فَلَا تَنْهَرْ يَعْنِي مِيْمُوْرُ مِهْمَانِ بَرَجَانِ
 كَنْدُ رَا زَبْرُ كَرُو وَ فَرَمُوْدُ اَنْخَرْتِ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَا وَكَافِلُ اَلْيَتِيْمِ فِي الْجَنَّةِ هَكَذَا وَ وَاحِدُ

یا خرمه با وی در حقه اند و رحمة الله وبرکاته مسلم از ابیه برده روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و
 سلم در حقش بنوعی باشد تا که ایمان آید و ایمان کامل نخواهد شد تا که با هم دوستی کنید پس فرمود که خبر دهم شما
 بچیزیکه با هم دوست شوید و افتخار اسلام علیکم می بیاورید سلام با هم و بیعتی از بن مسعود از آنحضرت روایت کرد
 که کسی که اول سلام گوید پاک شود از تکبر کسی از آنحضرت پرسید که از فضیلت های اسلام کدامی بهتر است و عرض
 بخورانی طعام و خجانی سلام بر هر که شناسی یا نشناسی آید که میله ذی حقیقت اگر چه در حق سلام دارد شده لیکن معصوم
 لفظ دلاله دارد بر آنکه مسلمانی یا مسلمانانی هر چه سلوک نیک کند مانند فرستادن هدیه یا ذکر خیر یا اشاره
 سلام بپست پست یا تواضع یا استادن یا مصافحه یا معانقه یا مانند آن که دلیل اظهار محبت یا شناسانی را باید که
 مکافات آن پیش آن کند یا بهتر از آن کند اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبٌ بران حالات دارد یعنی حق
 بر هر چیز حساب کننده است احمد و ترمذی از ابی امامه روایت کرده که آنحضرت فرمود تمام تحیه شما صحیح است و آنحضرت
 فرموده با هم مصافحه کنید و دشمنی و با هم بدید و بغیر سید محبت زیاده شود و کینه بر طرف گردد و فرمود آنحضرت
 که اگر دو مسلمان با هم مصافحه کنند هیچ گناه باقی نماند همه بریزد آنحضرت ابوذر را در پیش گرفته فرمود که این عمل
 خوب است رواه ابو داود و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم كَيْفَ لِلرَّجُلِ أَنْ يَكْفِيَ أَخَاهُ فَوْقَ

تِلْكَ أَنْ يَكْفِيَاكَ فَيُعْرَضَ لَكَ هَذَا وَيُعْرَضَ لَكَ هَذَا وَخَيْرُهَا الَّذِي يَبْدَأُ بِالسَّلَامِ مستوی
 عن ابی ایوب الانصاری یعنی حلال نیست مردی را که ترک ملاقات کند برادر خود را زیاده از سه روز یعنی
 شوند هر دو پس عرض کنند از یکدیگر بهتر از آنها کسی است که سبقت کند در سلام و ابو داود از عایشه از آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم روایت کرده که فرمود که مسلمان را جائز نیست که زیاده از سه روز ترک کند برادر را پس
 و فیکر یکی دیگری ملاقات کرد و سلام گفت سه بار و او جواب نداد گناه هر دو را بر خود گرفت و احمد ابو داود
 از ابیه برده روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که حلال نیست مسلمان را که برادر خود مسلمان را
 زیاده از سه روز ترک کند اگر زیاده از سه روز ترک کند و بمیرد داخل دوزخ شود و ابو داود از ابیه برده روایت
 کرده است دیگر بعد از آنکه کوفه نقل کرده چون سه روز بگذرد باید که یکی با دیگری ملاقات کند و سلام گوید
 بر وی اگر او جواب داد برود داخل ثواب شوند و اگر جواب نداد گناه بر دویم باقی ماند و او از جهات هلاکت
 کرد و بیرون شد و فرمود رسول الله صلی الله علیه و سلم إِنَّا كُنَّا وَالْظُّنُّ أَنَّ الْظُّنَّ كَذِبٌ الْحَدِيثُ

عَنْ تَعَالَى مِيفَرَايَ الدِّينِ يَكُنْكَ الْعَرْشُ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ مُحَمَّدٌ رِبِّهِمْ وَكَيْسَتْغْفِرُونَ
 لِلَّذِينَ آمَنُوا الْآيَةَ وَمِيفَرَايَ الْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَكَيْسَتْغْفِرُونَ
 لِمَنْ فِي الْأَرْضِ لَعْنَى حَامِلَانِ عَرْشِ أَهْلِكَ كَرْدَاوَسْتِ شَبِيحٌ سَيَكُنْدُ بِأَحْمَدٍ بِرُودْكَارِخُو دَوَسْتِغْفَارُ سَيَكُنْدُ
 بِهَامِي كَسَائِدِ اِيْمَانِ آوَرْدَه اندو جاي ديگر مِيفَرَايَدُ فَرَشْتَايَن شَبِيحٌ بِأَحْمَدٍ سَيَكُنْدُ بِرُودْكَارِخُو دَوَسْتِغْفَارُ
 اِهْلِ بَيْنِ سَتَغْفَارُ سَيَكُنْدُ **سؤال** اگر حق اخوة اسلام از اخوة نسبی و ديگر حقوق بالاتر است پس
 تو اخوة نسبی اجرا مقدم نوشتی و حق تعالی مِيفَرَايَدُ وَاُولَ الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ
 فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالتَّحْكِيمِ يَنْ يَعْنِي اقربای نسبی بعضی را اولی و بهتر انداز
 مومنان و مهاجران و لهذا ميراث در قرابت نسبی است نه در قرابت اسنامی و رسول فرمود صلعم
 الصَّدَقَةُ عَلَى الْمُسْكِينِ صَدَقَةٌ وَهِيَ عَلَى ذِي الرَّحْمِ ثَمَانِ جَدَقَةٌ وَصَلَاةٌ رُوِيَ
 أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ عَامِرٍ **جواب** قرابت نسبی و غيره که بالذکر
 شده اند در همه آن اسلام شرطست و همه جا، سلام معتبرست معنی آیت آنست که اولوالارحام
 که مسلمان اند از مومنان و مهاجرین که قرابت نسبی ندارند بهتر اند و وارث مقدم و موقوفند
 آنکه صدقه بر مسکین مسلم اجنبی یک ثواب دارد و بر ذی رحم که مسکین مسلم باشد و ثواب دارد و لهذا آفر
 اگر که ذو باشد ميراث بد آنها ميرسد بلکه بمعاينه مومنین رسد و بیت المال که خزانه عامه مومنین است آخر
 کرده شود اگر پدر هم کار فرزند گویند و بر سر اجابت لیکن محبت و دوستی با وی نباید کرد بلکه بیزاری
 باید نمود قال الله تعالى مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا
 أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بُيِّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَكْثَابُ الْحَيْوِ وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ
 إِبْرَاهِيمَ لَأَبِيهِ إِذْ قَالَ يَا أَبَتِي إِنَّكَ كُفِّرْتُ لَكَ إِنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ
 تَبَرُّكَ مِنْهُ يَعْنِي نباشد نبی را و مومنین که مغفرت خواهند برای مشرکان اگر چه باشند آنها صاحب
 قرابت بعد از آنکه طاهر شوند و آنها که آنها از اهل جهنم اند و نبود استغفار بر ابراهیم برای پدر خود و اگر از جهت وعد
 که پدر با وی کرده بود و که اسلام خواهم آورد پس هرگاه که طاهر شد بروی که این دشمن خداست از وی باز
 کرد فائده حَرِّبْ كُلَّ نَسَبٍ وَصِهْرٍ يَنْقُطُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا نَسَبِي وَصِهْرِي بَعْضُ حَدِيثِ مَرْجُوحِ

ابن حساگر از ابن عمر روایت کرده است: هر قرابت نسبی و قرابت خونی تا پادشاه باشد روز قیامت منقطع خواهد شد مگر قرابت
نسبی و صهری من و مرا و غیره نیست که قرابت همه مومنان و غیرهم منقطع خواهد شد مگر قرابت پاک من بلکه مرا و
که همه مسلمانان فرزندان من اند نسبت صهر مومنان منقطع نخواهد شد نسب و مهر که قرابت منقطع خواهد شد دلیل
برین تفکیک نیست که حق تعالی در حق مومنان میفرماید: **وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَانٍ**
أَلْفَحَقَّ عَلَيْهِمُ الَّذِي رَفَعُوا وَهُمْ أَصْحَابُ الْأَيْمَانِ یعنی کسانی که ایمان آورده اند و فرزندان
شان تابع ایشانند در ایمان اولادشان را در پیشست بر تبه بران ملحق نخواهم کرد و از عمل بران کم
نخواهیم کرد هیچ و نیز حق تعالی میفرماید: **وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُ بِكُمْ عِندَنَا**
زُفَىٰ بِالْإِيمَانِ أَكْثَرُ و عمل صالح که ایمنی موال کا قران و اولاد آنها را بمانند یک نخواهند کرد مگر
بسیکه ایمان آورده است و عمل صالح کرده اموال و اولاد آنها را بمانند یک خواهند کرد و در حق کلان
فرموده: **وَالْأَشْكَابُ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمِيزُ بَيْنَهُمْ** یعنی نهایی شان در میان شان نخواهند ماند روز قیامت
فرمود: **وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ** منقطع خواهد شد در میان شان اسباب و صلت ازین آیات دیگر
و احادیث نبوی صلی الله علیه و سلم معلوم میشود که نسب و مومنان باقی خواهد ماند و یکی دیگری را سفید
خواهند شد به سبب قرابت و به سبب دوستی غیره و که قرابت را هیچ فائده نخواهد کرد **يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الْمَرْءُ مِنْ خِيَرَةٍ**
وَأَهْلِهِ وَآيَتِهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ إِلَّا خَلَا يَتُوبُ مِمَّا بَغَضُنَا لِبَعْضِ عَدُوِّهِ إِنَّهُ الْمُنْقَاتُ
یعنی روز قیامت بگریز و مرد از برادر خود و مادر و پدر و زن و فرزندان خود و دوستان آن روز با هم
و شمن خواهند شد مگر تقیان غرض ازین کلام آنست که در جمیع حقوق مذکوره هر کسیکه در اسلام و تقوی
افضل و اقوی باشد او بر محبت و صلت اولی و احق باشد و اسلام قسم هم دیگر از حقوق آنست که
بنده با اختیار خود بخود لازم گرداند و این هم در حقوق است و هم در حقوق الناس و هر یک از این
قسم قسمی نیست که سبب وجوب آن طاعت باشد و هم آنکه سبب وجوب آن معصیت باشد سوم آنکه
سبب وجوب آن امری مباح باشد **فصل** حق است که سبب وجوب آن طاعت است لکن نذرست بعباده
اگر نذر کند بعباده مقصود که از جنس آن عبادتی فرض باشد چون نماز یا روزه یا صدقه یا حج خواه آن نذر
بلا شرط باشد یا بشرط که موجب شکر باشد از نعمتهای دینی یا دنیوی چنانچه گوید که اگر باری من شفا یابد

و هم

امانت دور

فصل اگر شخصی اراده ادای دین داشته باشد و او را میسر نشود و بگوید امید است که حق تعالی در آخرت
 دینان او را راضی سازد و او را بهشت بر در رسول فرمود صلعم من تقد این بدین و فی نفسه
 وَكَفَاءَ الْمُكْرَمَاتِ تَجَاوَزَ اللَّهُ عَنْهُ وَكَرَضَى عَنْهُ بِمَا شَاءَ وَمَنْ تَدَايَنَ بَدَيْنَ وَلَيْسَ
 فِي نَفْسِهِ وَكَفَاءَ الْمُكْرَمَاتِ أَفْضَلَ اللَّهُ تَعَالَى لِفَرْجِهِ مَدَائِمُ الْقِيَمَةِ وَهُوَ الْحَاكِمُ عَنِ الْوَلِيِّ
 أَمَامَهُ يَتَّقِي هَرَكَةَ مَعَالِمِهِ وَدِينُ بَرُوِي لَزِمَ شُود و او اراده ادای آن دارد و بگوید حق تعالی او را
 بخشود و دینان او را راضی سازد و هر که معامله کند و دین دار شود و اراده ادای آن داشته باشد عرض
 و مانند حق تعالی عزمای او را روزه قیامت و طهرانی و حاکم سیم از بی امامه مثل این روایت کرده اند
 باین عبارت مَنْ أُوِي دِيْنًا وَهُوَ يَتَّقِي أَنْ لَا يُؤَدِّيَهُ فَمَاتَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى
 لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنِّي لَأُخَذُّ بِعَبْدِي بِحَقِّهِ فَيُؤْخَذُ مِنْ حَسَنَاتِهِ فَيُجْعَلُ فِي
 حَسَنَاتِ الْآخِرَةِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ حَسَنَاتٌ أُخِذَ مِنْ سَيِّئَاتِ الْآخِرِ فَيُجْعَلُ عَلَيْهِ
 یعنی هر که میرد و اراده ادای دین نداشته باشد بگوید حق تعالی که من بنده خود را ازین سیرم پس از حسنات
 مدیون بدانم و مانده شود و اگر حسنات نباشد گناهایان و این بر مدیون نهاده شود و خبرانی
 از ابن عمر روایت کرده که رسول فرمود صلعم و قسم اند هر که بمیرد و دین ادای دین داشته باشد
 پس من بی او قسم یعنی او را بخشایم و از حق تعالی دین او ادا کنیم و هر که بمیرد و دین ادای دین
 ندارد گرفته شود از حسنات او و در آن روز در هم و دنیا نیست همچنین از ابن عمر از آنحضرت مرویست
فصل و حقوق العباد که سبب آن معصیت است چون قتل نفس یا قتل عضو یا گرفتن مال کسی
 بنصب یا سرقه یا خیانت یا آبروی کسی را بردن از دشنام و مانند آن یا هیت اغوی این
 حق بر مظلومه و استر ضای مظلوم است بدون استر ضای مظلوم عفو و مغفرت در اطلاق این
 حقوق نمیتوانند الا نادرا رسول فرمود صلعم اللَّهُ وَأَوِيْنُ ثَلَاثَةً فَمَا يُوَانُ لَا يُعْبُو اللَّهَ بِهِ
 شَيْئًا وَدِيْنًا لَا يَكْفُرُ اللَّهُ بِهِ شَيْئًا وَدِيْنًا لَا يَكْفُرُ اللَّهُ بِهِ شَيْئًا وَدِيْنًا لَا يَكْفُرُ اللَّهُ بِهِ شَيْئًا
 لَا يَكْفُرُ اللَّهُ بِالْإِيْمَانِ وَدِيْنًا لَا يَكْفُرُ اللَّهُ بِهِ شَيْئًا وَدِيْنًا لَا يَكْفُرُ اللَّهُ بِهِ شَيْئًا وَدِيْنًا لَا يَكْفُرُ اللَّهُ بِهِ شَيْئًا
 بَيْتَهُ وَبَيْنَ رَبِّهِ مِنْ صَوْمٍ كَرِهَ أَوْ صَلَوةٍ تَرَكَهَا فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُغْفِرُ ذَلِكَ وَيَجْزِلُ لِمَنْ

حقوق العباد که سبب آن معصیت است

بر مسلم حرام است بزومی هم حرام است که بعد از اهل دمه عهد رسول صلی الله علیه وسلم عهد شکنی رسول
 صلی الله علیه وسلم می آید رسول فرمود صلی الله علیه وسلم مَنْ قَدْ ذُهِبَ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَسْجُطُ مِنْ
 ثَارِهِ وَاهِ الطَّبْرَانِ عَنْ أَمَلَةٍ بْنِ الْأَسْقَعِ يَعْنِي بَرَكَةُ هَمَّتْ نَاكَدَ بَرُومِي اَوْرَارُ وَزَقِيَاتِ حَذْرُهُ خَوَانِدِ
 جَرْدُهُ اَزْ اَنْشِ وَفَرَمُو دَلَا مَنْ ظَلَمَ مُعَاهِدًا وَانْقَضَتْ مِنْ حَقِّهِ اَوْ كَلَفُهُ فَهَاقَ طَاقَتُهُ
 اَوْ اَخَذَ مِنْهُ شَيْئًا يَغْيِرُ طَبِيبُ نَفْسِهِ فَاَنَا حُجَّتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَعْنِي آگاه باشد هر کس ظلم کند
 زومی را یا کم کند از حق او یا تخلف دهد او را زبانه از طاعت او یا گرفت از او چیزی بی رضایت او پس من محنت
 بکنده باشم با وی روز قیامت **فانده** باید دانست که هر گناهی که باشد سوار شر یا خیرای آن مناسبتی
 اگر چه کثیر و شدید باشد پس مقتضای این احادیث آنست که حقوق عباد خصوصاً مظلوم هرگز مهمل نگذاشته شود
 و قصاص آن ضرورت مظلومان را ثواب حسنات ظالمان داده شود تا و فیکه بیع از حسنات شان
 نمایند پس اگر مظلوم باقی مانده گنا آن مظلومان بظالمان نباده آنها را بخل و دوزخ کرده شود پس برگاه که جزا
 سیات منتهی شود اگر چه بعد کثرت طول و موعنان ظالمان از مظلوم پاک شوند از زبان داخل بهشت کرده شود **بشخصا**
 ایمان که خیرای ایمان خلوص است و بهشت و بهشت و بهشت ایمان بهشتی گفته لیکن از شامت مظلوم گنا باشد که ایمان سلب شود
 فتعود بالذنوب خیرای تعالی از صد و مظلوم در پناه خود دارد **شهر** میباش و در پی آزار و هر چه خواهی کن که در
 شریعت مانع از این گناهی نیست یعنی در شریعت محمدی مانند مظلوم هیچ گناه نیست **فانده** اگر بر ذمه شخصی
 مظلوم بود و از آن تو بکنند و از ظلم مبتلا بکنند و در مظلوم و استر ضای مظلومان از مقدور او خارج باشد
 در ضرورت امید است که حق تعالی خصمان او را روز قیامت راضی سازد و رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
 رَجُلَانِ مِنْ أُمَّتِي جَنَابَيْنِ يَكُونِي رُبُّ الْعِزَّةِ تَبَارَكَ تَعَالَى فَقَالَ أَحَدُهُمَا يَا رَبِّ خُذْنِي
 مَظْلَمِي مِنْ أَخِي فَقَالَ اللَّهُ أَعْطَاكَ مَظْلَمَهُ فَقَالَ يَا رَبِّ لَمْ يَبْقَ مِنْ حَسَنَاتِي شَيْءٌ فَقَالَ
 اللَّهُ كَيْفَ تَصْنَعُ لَمْ يَبْقَ مِنْ حَسَنَاتِي شَيْءٌ فَقَالَ يَا رَبِّ يَحْمِلُ مِنْ أَوْ زَارِجِي وَفَا
 عَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْبُكَاءِ وَقَالَ إِنَّكَ يَوْمَ عَظِيمٍ يَوْمَ
 يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَى أَنْ يَحْمِلَ عَنْهُمْ أَوْ زَارِجُهُمْ فَقَالَ اللَّهُ ارْقِعْ رَأْسَكَ فَانْظُرْ فِي الْحِجَابِ
 فَرَقَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ يَا رَبِّ أَرَأَيْتَ إِنْ مِنْ فِضَّةٍ مَرْتَبَعَةٍ مِنْ ذَهَبٍ مَحْكَالَةٍ بِالْأَوْزَانِ

كَأَيِّ نَجِيٍّ أَوْ كَأَيِّ صِدِّيقٍ أَوْ كَأَيِّ شَهِيدٍ هَذَا فَقَالَ هَذَا لَيْنٌ أُعْطِيَ الْكَمَنَ فَلَا
رَبَّ وَمَنْ يَمْلِكُ ذَلِكَ قَالَ أَنْتَ تَمْلِكُهُ قَالَ لَوْ قَالَ لَعَنُوكَ مِنْ أَخِيكَ قَالَ

رَبِّ إِيَّيْ قَدْ عَفَوْتُ عَنْهُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى حُذِرَ بَيْدِ أَخِيكَ فَأَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ ثُمَّ
خَلَّاهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْتَقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ فَإِنِ اتَّخَذَ

بَيْنَ الْمُنَافِقِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رِوَاهُ الْحَاكِمُ وَابْنُ أَبِي عَرِيبَةَ وَابْنُ أَبِي شَيْبَةَ وَابْنُ
مَنْ وَهُوَ نَشِينْدَنِي بِ الْعَرَبِ بِسِ كِي كُوبِدَايِ بِرُورِ كَارِ مُظْلِمٌ مِّنْ اَزْ بَرَادُ مِّنْ كِي مِزْ تَعَالَى اَوْ اَزْ بَرَادُ
مُظْلِمٌ اَزْ بَرَادُ اَوْ اَزْ بَرَادُ اَوْ اَزْ بَرَادُ اَوْ اَزْ بَرَادُ اَوْ اَزْ بَرَادُ اَوْ اَزْ بَرَادُ اَوْ اَزْ بَرَادُ اَوْ اَزْ بَرَادُ
پَر مِي كِي اَزْ حَسَنَاتِ اَوْ سِجِ باقی نمانده است حق تعالی مظلوم را نفرماید
مبارک آنحضرت صلی الله علیه و سلم اشک نجات و فرمود که آن روز سخت روز باشد مردم محتاج شوند به آنکه
اگر کسی گناهان من بردارد حق تعالی مظلوم را نفرماید که سر بردارد و بین در بهشت پس سر بردارد و گوید که اَبی شَهْبَدِ
می بینم از نفره عالی مرتبه و از زر مرصع بر دار بر سر یکدام تنی یکدام صدیق یا یکدام شهید خواهد بود این
شعبه را حق تعالی فرماید که این را کسی است که بدو هفت گوید ای پروردگار کیست مالک این قدر حق تعالی
فرماید مالک قیمت آن هستی گوید از چیز فرماید که پنج بشین حق خود را بردارد و خود را او گوید یا رب بخشیدم از
حق تعالی فرماید که بگیرد است این را و او حق بهشت کن پس رسول فرمود صلی الله علیه و سلم ای مردم بر یکبند
از عذاب خدا و نیکوکاری با خود را کنید که حق تعالی روز قیامت در مسلمانان اشتی خواهد کرد ناید یعنی هر که از خود
و رسول فرمود صلعم روز قیامت چون بهشتیان داخل بهشت شوند و در خیابان یعنی کافران داخل در بهشت
یک و از دهنده آواز دهد که ای اهل جمیع مظلوم با هم بخشید و ثواب شما بر خداست رَوَاهُ الطَّبْرَانِيُّ عَنْ النَّسَائِيِّ
اَمْ بَانِي خُوَاهِ اَمْ مَحْمُودُ غَالِي كَقْتِهِ كَرِ اِنْ اَحَادِيثَ مَحْمُودُ كَرِ سَهْمٌ اَزْ عَظَامِ تَوْبَةٍ كَنْدِ وَاَيِنْدَه تَرْكِ دِهْرٍ وَاَنهَا اَوْثَابُ
باشند که حق تعالی شان آید میفرماید اِنَّهٗ كَانَ لَلَّذَا وَاَيِنْدَه عَفْوًا وَاَيِنْدَه عَفْوًا وَاَيِنْدَه عَفْوًا وَاَيِنْدَه عَفْوًا
و حکم عام نیست مگر عام بود کسی داخل و نوح شد سوال اگر شخصی به دیگری ظلم کرد بنفس مال یا آبرو
مظلوم را انتقام آن جائز باشد یا نه جواب انتقام پیش مظلوم و جائز است و زیاده از آن حرام است پس
انتقام نفس و اولی است قال الله تعالی فَاَعْتَدْ لَهُ الْوِشْيَ مَا اَعْتَدَ لَكَ بَنِي حَوْشٍ كَيْدُ بَرٍّ

مانند آنچه اولی گفته است بر شما این امر بر آید بابت است قال الله تعالی وَاِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَفَا عَنْكُمْ جَمِیْعًا
 مَا سَأَلَ عَنْكُمْ فِيهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُمْ خَيْرٌ لِّلصَّابِرِیْنَ وَاصْبِرُوْا مَا صَبَرَ اُولَئِكَ بِاللّٰهِ فَعَفَا عَنِ الرَّحْمٰنِ
 گفته شما پس عفو کند مانند آنچه پیش گفته است و اگر صبر کنید پس صبر بهتر است بر صبر کنندگان و صبر کن ای محمد و نباشد
 صبر تو مگر توفیق و مدد گاری او سبحانه و قال الله تعالی وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَمِلَ
 فَاجْرًا عَلٰی اللّٰهِ اِنَّهٗ لَا یُخْرِجُ الظَّالِمِیْنَ وَلٰكِنْ اَنْتَصِرْ بَعْدَ ظُلْمِهِۦ فَاُولَئِكَ مَا لَكَ مِنْ حِرْمٍ
 سَبِیْلٍ اِنَّهَا السَّبِیْلُ عَلَی الَّذِیْنَ یُظْلَمُوْنَ الْكَافِرِیْنَ وَیَتَّبِعُوْنَ فِی الْاَرْضِ عِزًّا لِّمَنْ یَّهْتَدِ اِلَیْكَ
 لَهُمْ عَذَابٌ اَلِیْمٌ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ عَقُرْ اِنْ ذٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْاُمَمِ یعنی چیزی بدی نیست که مثل آن
 بادی کرده شود پس هر که عفو نکند و بخشد و آشتی جوید پس ثواب او بر خد است بدستیکه حق تعالی ظالمان را
 دوست نمیدارد یعنی دشمن میدارد و هر که عفو گرد و بعد مظلومی خود نیست بر او هیچ مواخذه در دنیا و آخرت
 برسد که نعم کند بر مردم و فساد کند در زمین ناحق آنها را عذاب الیم باشد و هر که صبر کند و بخشد مظلومی خود بدستیکه
 بهترین خیر است رسول فرمود صلی الله علیه و سلم الْمُسْتَبْکَانَ مَا قَالَا قَعَلَا الْبَادِیَ مِنْهُمْ مَا کُلُوْا
 یَعْقِلُ الْمُظْلَمُ رَوَاهُ أَحْمَدُ و سلم و البود اود و الترنی عن امیر هریة یعنی دو کس با هم بدگونی کنند گناه
 هر دو بدگونی بر کسی است که اول گفته تا که ثانی زیاد نکند از آنچه اول گفته است و فرمود آنحضرت علیه
 السلام الْمُسْتَبْکَانَ شَیْطَانَانِ یَّتَحَاكَمَانِ وَ یُحْكَادُ بَانَ رَوَاهُ أَحْمَدُ و البخاری فی الادب بسند صحیح عن
 عیاض بن حماد یعنی دو کس که با هم بدگونی میکنند هر دو شیطانند با هم کلام باطل میگویند و با هم دروغ گوئی
 میکنند و قال الله تعالی وَلَا تَسْتَوِی الْحَسَنَةُ وَلَا السَّیِّئَةُ اِذْ مَعَ یٰ اِلَیْهِ هِیَ اَحْسَنُ قَالَ اللّٰهُ
 یَبْیَنُکَ وَ یُبَیِّنُ عَنَّا وَ هُوَ کَاثِرٌ و لَیْ حَکْمٌ و مَا یُلْقِیْهَا اِلَّا الَّذِیْنَ صَبَرُوْا و مَا یُلْقِیْهَا اِلَّا
 ذُوْ حِطِّ عَظْمٍ و مَا یَنْزَعُكَ مِنَ الشَّیْطَانِ نَزْعٌ فَاَسْتَعِذْ بِاللّٰهِ اِنَّهٗ هُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ
 یعنی نیکی و بدی یکسان نیست پس بر نیکی تواند کرد بدی چرا اختیار کند بدی را بر نیکی دفع کن یعنی اگر کسی با تو بد
 کند تو عفو کن آن نیکی کن ازین عمل بدی او بر طرف نشود اگر چنین کنی پس کسی که با تو دشمنی دارد دوست گردد
 خواهد شد و خد نخواهد کرد این صفت را که صاحبان اخلاص را در این صفت اگر کسی که از خد انصیب کامل دارد و اگر دوست نخواهد
 رسید از طرف شیطان که باز دارد ازین عمل پس نه جواز ندارد بدستیکه خدا سمیع و علیم است ترا پناه و بدره

تقت یا رسول الله مرا چندانکه مراد روح کو میگویند و خیانت میکنند و از فرمانی میکنند و من آنها را نیز هم و دشنام میدهم
پس چگونه باشد از آنها آنحضرت فرمود که خیانت و کذب حصیان آنها با عقاب تو حساب کرده خواهی شد پس اگر عقاب
تو از گناه آنها کم خواهد بود ترا فضیلت خواهد بود و اگر عقاب تو بقدر گناه آنها خواهد بود برابر خواهند شد و اگر عقاب
آنها از گناه زیاد خواهد بود و بقدر زیادتی از تو عوض گرفته خواهد شد آن مرد گرسنه و پیاوینا که گرون گرفت

رسول فرمود کسی که علیه اسلام یا قرآن خوانده و قطع الموالین القسطنطینیون القباکمة فلا ظلم
نفس شیئا وان کانت کما قال حنیة من خردل یا کثینا بیها و کفی بنا حاسبا سیئین یعنی خواهم نهاده
ترا و بی عدل در قیامت پس ظلم نموده خواهد شد چکس چیزی و اگر خواهد بود ظلم بوزن دانه خود
خواهم آورد و پس ایم حساب گفته آن مرد گفت یا رسول الله چه چیزی نمی بایم از جدا کردن آنها بدستگیر
ترانشا بدستگیرم که آنها را آزاد کردم رواه احمد و ترمذی عن عایشه عن محمد بن عبدی رابدی سهل باشد جزا
اگر مردی حسن الی من اسما تدبیر حسن خلق و نرمی و مذمت تکبر حق تعالی در حق رسول کریم

فرموده و انک لعلی الخلق عظیم بدرستی که تو بر خلق عظیم هستی و فرموده و کما تحب حق الله لیلت
لهو و لو کنت کظا خلیط القلب لا تفضوا من حولک فاعف عنهم و استغفر لهم و شاور

یعنی بسبب حق خدا که بدست نرم شدی تو بر مردم نرمی کریم و رحیم شد و اگر می بودی بر خلق سخت دل آینه
جدایی شدند اگر در تو چنینش نقصایت شان را و دعا مغفرت کن برای آنها اگر تقصیری کند و در هر کار

با آنها مشورت کن و حق نم در حق خاصان خود میگوید و عباده المؤمن الذین یستشرون علی الارض هویا و اذا
خطبهم لجاهلون قالوا سلاما یعنی پندگان خاص آنانند که راه میروند بر زمین بی حری و اگر جاهلان با آنها

خطاب می کند میکنند آنها را جواب آن کلامی گویند که موجب سلامت باشد از اینها و گناه رسول فرمود صلعم که
از رفیق و نرمی محروم شد از هر چیز محروم شد رواه مسلم عن جریر و فرمود محبوب ترین نماز من کسانی

که اخلاق نیک دارند رواه البخاری عن عبد الله بن عمر و در همین است بهترین شما نیک خلق تر شماست
رسول فرمود صلعم ان المؤمن کبد له یحسین خلقه در حجة فاکمل الکلیل و عاکم الکفا و رواه

ابو داود یعنی بدرستی که مومن در میاید به نیک خوئی خود مرتبه کسی که تمام شب نماز کند و روزانه نذر
دارد و فرمود آنحضرت صلعم لعنت الله خلقا کما خلق الله فی الموطا و رواه احمد عن

جائز نیست و در تفسیر تفصیلی دارد و در بیان عدم خواهر این صورت است که قاعده کلیه ضمیمه است که
 فی شرح الوقایه و غیره حاصل شد تا آنکه لا یجوز له الجارحة علی الکفایة و علی المعاصی
 لیکن لما وقع الفتی فی رد ما ینافی الاصل بالذات یستلزم یقتضی اجتناباً لتعلیل القرآن
 الفصحیح و لا یجوز له ان یشترط و لکن احاطه بر ادای طاعت خواه فرض باشد خواه فعل جائز
 نیست است که شخصی که مباشر طاعت نیست و حکم و عده الهی مستحق او یا آخر و کسی نیست پس اگر چه در بعضی
 را از مخلوق بران عمل طلب نماید جمیع عیوضین و برترین در حق یکس یک فعل لازم خواهد آمد مثل
 آنکه شخصی پیش از یک کس قرار یافت او را بگوید که ای خاص شخصی دیگر شود در همان مدت گذاشتن کفانی
 شرح الهدایه و توفیق علیه السلام و اقرؤ القرآن و لا تأکلوا به و مثل ان یستأجر رجلاً لیقفل
 علی الناس فقبل مثل هذه القرأة لا یستحق به الثواب کاللیث و لا القاری
 استثنای صورت سوم آنکه شخصی بسته شد ثواب قرآن خوانده و یکس شخص باشد یا بقصد ثواب او خواندن غایب
 کند و هرگز خیال معاوضه در ظاهر آنطور نکند و آنکس بلیق مکافات بعد از آن یا در آشنای خواندن
 آن بوی چیزی بدهد یا احسانی نماید یا شخصی باشد که از سالها شخصی انعام و احسان میکند و این
 کس مکافات آن قرآن و کلمه تلیل و مثال آنکس بلیق او میخواند و ثوابش یا عقیقه شده و این صورت
 جائز نیست بلا شبهه بلکه مستحب بر مکافات احسان با احسان مستحب و فی الحدیث من صنع الیک
 معروفاً فکافه الیک و لیکن در اینجا هم عذری بیاید و آن نیست که اگر نیست آن در خواندن مکافات
 احسان است پس جائز مستحب است اما اجاره نشدنی و دشمن مکافات مضرت نیست لیکن فرقی را میان این
 و صورت چهارم آنکه شخصی است طالب علم و بنیاد حفظ قرآن یا اشتغال بطاعت دیگر لیکن از راه ننگستی
 و فقدان وجه معاش و راحت اشتغال باین امور دراز دردی و دیگر صاحب کار و جوی و او شود و باقی
 مشغول بطاعت کرد و در این صورت هر دو را بر کامل بر طاعت او حاصل بکند و در مورد این
 آیت همین است للفقراء الذین انصروا الخ و اعانت بر طاعت که در حدیث صحیح آمده و
 واقع شده همین است لیکن این را بجا گفتن مجاز است صورت پنجم آنکه شخصی قرآن را بر وجه طاعت
 بلکه بنا بر قصد نافع میخواند و برین آیت دیگر و مثل سوره حم و توفیق و تمجید سوره قرآن برای حصول

بعضی مطالب - نیوی یا برآی خلاص از عذاب کور یا برای دفع آسیب زنده یا مرده بصورت خوش و این
قسم بهتر جائز است بلا کراهت و همین است مورد این حدیث که **إِنَّ أَحَقَّ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَجْرًا كَمَا**
اللَّهُ وَفَّقَهُ رَقِيقَهُ سُوْرَةَ فَاتِحَةِ كُرْشٍ بر آن نیز از همین قبیل است همه صورتور را جدا جدا با حکام
آنها در خاطر محفوظ باید داشت **وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَعَلَىٰ مَنْ لَدَيْكُمْ بِهِمْ تَقْصِصُ** ~~علوم~~
که در احادیث مختلفه تعارض نیست مثلاً در حدیث عباده بن الصامت قال قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ
رَجُلٌ أَهْدَىٰ إِلَيَّ قَوْلًا سَمِعْتُكَ كُنْتُ أَجْعَلُهُ الْكِتَابَ وَالْقُرْآنَ وَلَيْسَتْ بِهَا قَائِمِي
عَلَيْكَ إِنِّي سَبِّحُ اللَّهَ قَالَ إِنْ كُنْتَ تُحِبُّ أَنْ تُكَلِّمَ قُلُوبَ قَائِمِينَ نَارٍ فَأَقْبِلْهَا رواه ابو داود
و این مایه در صورتی راست است در وقت تعلیم طلب مکافات متصور داشته بود و همین نیت تعلیم
کرده بود و علی بن ابی طالب در حدیث دیگر **وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَعِلْمُهُ أَكْبَرُ وَأَكْمَلُ وَأَحْكَمُ**

الحمد لله خالق الانام که رساله تحقیقه الاسلام مع استفتای اخذ اجرت بر خواندن قرآن
بنابر پنج سئیر و هم در نتیجه ۶۶ هجری در بیت السلطه لکنه محمد محمود نگر محمد مصطفی خان خلف
حاجی محمد روشن خاں نمر لها المنان طبع نمود



۸۶۹۱

الف

